

خانواده‌های تهرانی وانتخاب مدرسه

عالیه شکری

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

چکیده

مقاله حاضر به بررسی نگرش خانواده‌ها نسبت به انتخاب نوع مدرسه (دولتی یا غیردولتی) در شهر تهران می‌پردازد. فرزندان همانند خمیری هستند که با داستان خانواده‌ها شکل می‌گیرند. یعنی خانواده‌ها تحت تأثیر عوامل خاصی شخصیت و تفکر فرزند و در نهایت آینده فرد و جامعه را شکل می‌دهند. معیری (۱۳۷۲) بر این عقیده است که در جامعه امروز همه ملت‌ها با هر نظام سیاسی و اجتماعی، پیشرفته یا در حال پیشرفت، به موضوع تربیت توجه دارند. آموزش و پرورش نسبت به دیگر فعالیت‌های اجتماعی در مقیاس جهانی از اولویت خاصی بهره‌مند است. این توجه شدید بر این منطق قوی استوار است که دنیای امروز تربیت فرزند را از نیازهای اولیه زندگی می‌شناسد.

کلیدواژه‌ها: خانواده، خانواده‌های تهرانی، مدرسه

مقدمه

تربیت و آموزش فرزندان برای خانواده‌ها اهمیت بسزایی دارد. والدین سعی می‌کنند بیشترین توان خود را برای تربیت فرزندان خود صرف کنند، تا نتیجه مطلوبی بگیرند. ثبت نام در مدرسه مطلوب نیز یکی از این تلاش‌های آنان است.

در حال حاضر مدارس به دو صورت دولتی و غیرانتفاعی اداره می‌شوند. «مدرسه دولتی به مدرسه‌ای گفته می‌شود که کلیه امور آموزشی و پرورشی، اداری و مالی آن توسط دولت و کارگزاران آن صورت می‌گیرد» (صافی، ۱۳۸۳: ۷۴). ثبت نام در این مدارس تقریباً بدون پرداخت شهریه انجام می‌شود.

مدارس غیردولتی (غیرانتفاعی) مدارسسی هستند که از طریق مشارکت مردم مطابق اهداف، ضوابط و دستورالعمل‌های عمومی وزارت آموزش و پرورش تحت

نظارت آن وزارتخانه تأسیس و اداره می‌شوند (مجموعه قوانین...، ۱۳۸۲). انتخاب کادر آموزشی و همچنین انتخاب دانش آموز برای مدرسه غیرانتفاعی بر عهده مدرسه است، اما در مدارس دولتی انتخابی در این زمینه وجود ندارد. کیفیت آموزش و اجرای فوق برنامه‌های آموزشی و تفریحی نیز در این مدارس متفاوت است. همچنین تأمین هزینه این دو نوع مدرسه به صورت متفاوت انجام می‌شود. براساس آماري که «سازمان آموزش و پرورش شهر تهران» در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ اعلام کرده است، تعداد ۱۴۲۸ مدرسه دولتی ابتدایی ۴۴۵،۱۰۷ دانش آموز و تعداد ۳۲۲ مدرسه غیرانتفاعی ابتدایی ۴۲،۱۵۸ دانش آموز ابتدایی را در خود جای داده‌اند (معاونت پژوهشی و...، ۸۵-۱۳۸۴).

والدین تحت تأثیر نگرش خاص خود، فرزندان خود را در یکی از این دو نوع مدرسه ثبت نام می‌کنند. «نگرش» نظامی با دوام است که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک تمایل به عمل است (فریدمن و همکاران، به نقل از: کریمی، ۱۳۷۸). به طور کلی «در روان‌شناسی اجتماعی نگرش را آمادگی برای بعضی از انواع واکنش‌ها تعریف می‌کنند و هدف مطالعه آن تأثیرگذاری بر رفتار است. زیرا انواع نگرش‌ها به عنوان شاخص‌ها یا پیشگویی رفتار شناخته می‌شوند» (ستوده، ۱۳۷۴: ۱۴۳). منظور این است که نگرش افراد در رفتار آن‌ها عینیت پیدا می‌کند. خانواده‌ها نیز نگرش خود را در رفتارها و یا انتخاب‌هایشان نشان می‌دهند و یکی از این انتخاب‌های مهم انتخاب نوع مدرسه فرزندان است؛ چون مدارس فعلی جامعه ما یکسان نیستند.

مهم‌ترین دوره تحصیلی، دوران ابتدایی است که تأثیر آن در دوره‌های بعدی و آینده فرزندان روشن است. انتخاب والدین در این دوره متأثر از نگرش آن‌هاست تا راهبرد کنکور یا مسائل دیگر. بنابراین برنامه‌ریزی برای آینده فرزندان که به صورت آگاهانه و یا ناآگاهانه در نگرش والدین وجود دارد، به طور طبیعی در این انتخاب تأثیرگذار است. ضمن اینکه نگرش والدین تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی یا به تعبیر **بورديو** (۱۳۸۱) سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (سطح تحصیلات، مهارت‌ها و شناخت‌ها) قرار می‌گیرد. به نظر اکثر افراد، عوامل اقتصادی و استطاعت مالی مهم‌ترین عوامل در انتخاب نوع مدرسه فرزندان است. لذا پاسخ به این پرسش که چرا تعدادی از خانواده‌ها مدارس دولتی و تعدادی دیگر مدارس غیرانتفاعی را برمی‌گزینند، نقش نگرش والدین را در این انتخاب نشان می‌دهد که هدف مقاله حاضر است.

روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد کیفی انجام شده است، یعنی نه قبل از شروع پژوهش و نه در طول آن، پژوهشگر هیچ‌گونه پیش‌فرض ساختارمند شده‌ای در ذهن نداشته است. در این روش، با اهداف کاملاً مشخص اطلاعات جمع‌آوری شده، نتایج پژوهش را هدایت می‌کنند (منادی، ۱۳۸۷). همچنین، پژوهشگر قصد آزمون تست استاندارد شده‌ای را ندارد و جامعه آماری وسیعی را در نظر نمی‌گیرد (منادی، ۱۳۸۷). بنابراین «پژوهشگر کیفی، اشیاء را در موقعیت‌های طبیعی آن‌ها مطالعه می‌کند و می‌کوشد پدیده‌ها را بر حسب معناهایی که مردم به آن‌ها می‌دهند، مفهوم‌سازی یا تفسیر کند» (گال و همکاران، به نقل از: نصر و همکاران، ۱۳۸۲: ۶۰). روش‌های کیفی قابل انعطاف‌ترند و در پی توصیف‌های تفسیری از پدیده‌ها هستند (فراهانی و عریضی، ۱۳۸۴). به علاوه، پژوهش‌های کیفی در دنیای واقعی انجام می‌گیرند و هدف آن‌ها درک پدیده‌های اجتماعی است.

مصاحبه یکی از ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات در روش کیفی است. این ابزار مزایای بسیاری دارد. با استفاده از مصاحبه پژوهشگر می‌تواند علاوه بر برقراری ارتباط کلامی و نزدیک با مصاحبه‌شونده، اگر ابهامی در سؤال‌ها و یا پاسخ‌ها وجود داشت، برطرف کند. علاوه بر سؤال‌های از پیش تعیین‌شده، محقق می‌تواند براساس موقعیت‌های جدیدی که پیش می‌آید، تحقیق خود را گسترش دهد و کامل‌تر و عمیق‌تر نگرش والدین را بررسی کند و دلایل انتخاب آن‌ها را به‌دست آورد. چون نگرش بحث عمیقی است و نیاز به فکر کردن دارد، پس از طریق مصاحبه بهتر می‌توان به آن دست یافت. در نهایت با استفاده از روش کیفی می‌توان جامع‌تر و کامل‌تر به عمق واقعیت موجود پی برد.

مصاحبه در این پژوهش به روش هدایت کلیات انجام شد. طبق تعریف **گال** و همکارانش (۱۳۸۲)، این روش شامل تشریح مختصری از عناوین و موضوعات است و طرح موضوعات و تصمیم‌گیری در مورد شیوه پرسش آن‌ها بر مبنای موقعیتی که در مصاحبه به‌وجود می‌آید، توسط مصاحبه‌گر انجام می‌شود (نصر و همکاران، ۱۳۸۲).

ابزار اندازه‌گیری این پژوهش پرسش‌نامه محقق ساخته بوده است که در مورد روایی آن با استادان راهنما و مشاور مشورت شد. به‌دلیل کیفی بودن پژوهش و اینکه قصد تعمیم نتایج را نداشتیم، اعتبار معنایی نداشت. این پرسش‌نامه حدود ۳۰ سؤال باز و تعدادی سؤال مربوط به اطلاعات عمومی داشت؛ مانند: میزان تحصیلات، شغل و درآمد. سؤالات باز در برگیرنده چند موضوع اصلی شامل شناخت (دلایل انتخاب) خانواده‌ها و سرمایه‌های فرهنگی آنان بود.

جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش شامل والدین دانش‌آموزان پسر پایه چهارم و پنجم ابتدایی می‌شد که در مدارس دولتی و غیرانتفاعی عادی شهر تهران مشغول به تحصیل بودند.

خانواده‌هایی که سرمایه فرهنگی شان

نسبت به سرمایه‌های دیگرشان بالا باشد،

نتایج

نتایج تحلیل محتوای عمیق این پژوهش نشان‌دهنده نگرش مثبت والدین نسبت به مدارس دولتی و غیرانتفاعی است. خانواده‌ها براساس انتخابشان به دو گروه تقسیم شدند: گروه اول، خانواده‌هایی که مدارس دولتی را انتخاب کردند و خود در دو دسته قرار گرفتند: دسته اول مدارس را به دلیل کارایی و بازدهی بالای آن‌ها انتخاب کردند و نسبت به آن نگرش مثبت داشتند. دسته دوم این مدارس را به‌دلیل کم‌هزینه بودن و نزدیکی انتخاب کردند، اما نگرش مثبت به مدارس غیرانتفاعی داشتند. خانواده‌های گروه دوم مدارس غیرانتفاعی را به دلیل اهمیت بُعد تربیتی انتخاب کردند و نسبت به آن نگرش مثبت داشتند.

تعدادی از خانواده‌ها دارای سرمایه فرهنگی بالا، تعدادی دارای سرمایه فرهنگی متوسط و تعدادی دیگر دارای سرمایه فرهنگی پایین بودند. در جمع‌بندی که از سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی خانواده‌های دو نوع مدرسه به عمل آمد، خانواده‌هایی که فرزند خود را در مدرسه دولتی ثبت‌نام کرده بودند، در کل دارای سرمایه اقتصادی بالا و سرمایه فرهنگی پایین نسبت به خانواده‌هایی بودند که فرزندان خود را در مدرسه‌های غیرانتفاعی ثبت‌نام کرده بودند. به عقیده **بورديو** (۱۳۸۱)، خانواده‌هایی که سرمایه فرهنگی شان نسبت به سرمایه‌های دیگرشان بالا باشد، سرمایه‌گذاری بیشتری در امر آموزش و پرورش فرزند خود انجام می‌دهند. براساس نتایج پژوهش حاضر، اهمیت بعد تربیتی اولویت اول برای همه خانواده‌های گروه دوم بود، در صورتی که در پژوهش‌های داخلی، مانند **قدیری** (۱۳۸۰)، **گل‌پرور** (۱۳۸۲)، **نظام‌آبادی** (۱۳۷۶)، **ربیعی و صالحی** (۱۳۸۵)، و همچنین پژوهش‌های خارجی مانند **سندی**^۱ (۱۹۸۹)، **بودین**^۲ و همکاران (۱۹۹۸)، **اندرسون**^۳ (۱۹۹۸) و **شک**^۴ و همکاران (۲۰۰۷) اشاره‌ای به ضرورت بعد تربیتی از سوی والدین نشده و بیشتر به کیفیت آموزشی پرداخته شده بود. بعد مذهبی نیز برای والدین گروه دوم، دومین اولویت انتخابشان بود، در حالی که والدین گروه اول اولیتی برای این موضوع قائل نشدند. همچنین، بین دیدگاه والدین دو گروه به سیاست، آرزوهایشان و حتی تعریف آن‌ها از علم که در بخش سرمایه‌های فرهنگی آن‌ها بررسی شد، تفاوت وجود داشت.

منابع در دفتر مجله موجود است.